

نگاه کارشناس

دموکراسی تکثر منبع دموکراسی واحد منبع

دکتر حسین دهشیار

پدیده‌ها، به ضرورت، خاستگاه خاص خود را دارند و زیربناهای اجتماعی به آنها هویت و کیفیت و نیز تمایز بودن می‌بخشند. بستر در حیات دادن به چگونگی ماهیت پدیده‌ها از آن روی اهمیت دارد که فرصت و چگونه تبلور شدن ارزش‌ها و باورهای حاکم اجتماعی را در آنها به وجود می‌آورد. دموکراسی به عنوان یک پدیده اجتماعی در شکل امروزی آن و در تعریفی که از آن می‌شود را باید یک پدیده غربی به حساب آورد. جدا از اینکه دموکراسی را مثبت قلمداد کنیم یا اینکه آن را غیر مطلوب بباییم، این واقعیت پذیرفته شده که دموکراسی یک مفهوم غربی است. درک آنان از نیازهای اجتماعی، ارزیابی آنان از اینکه چگونه می‌توان فزون‌ترین میزان آسایش اجتماعی را فراهم کرد، فهم آنان از مطلوب‌ترین نوع رابطه بین نخبگان جامعه و عوام و اینکه چگونه می‌توان با کمترین هزینه که همان محو بی‌ثباتی است و بالاترین بهره‌ها را که همان تثبیت کیفیت تعاملی دوسوی معادله قدرت است امکان‌پذیر کرد منجر به حیات یافتن پدیده دموکراسی شد. دموکراسی به مفهوم امروزی آن بازتاب حیات ارزشی و مادی مردم غرب است. غربی‌ها برای مدیریت جوامع خود به این مسیر گام گذاشتند که دموکراسی را زینده بیایند. امروزه البته دموکراسی را در اقصی نقاط جهان شاهد هستیم و اکثر قریب به اتفاق کشورها، دموکراسی را تجربه می‌کنند. اما با توجه به خاستگاه تاریخی این پدیده، تفاوت ارزشی بین جوامع مختلف و تفاوت‌های فاحش در بنیان‌های اقتصادی جوامع گیتی می‌بایستی از دو نوع متفاوت از دموکراسی صحبت کرد. هرکدام از این دو نوع بیانگر دو نوع متفاوت از نگرش به حیات انسانی و نشانگر دو برداشت متمایز از چگونگی شکل گرفتن قدرت است.

■ **دموکراسی غربی**

در جوامع غربی آنچه از واقعیت عینی برخوردار است این نکته است که شهروندان در تحلیل نهایی و در چارچوب ارزیابی‌های انجام گرفته، خود به این نتیجه می‌رسند که چه افرادی را باید برای تصمیم‌گیری انتخاب کنند. این برداشت معنا است که فرد خودش معیار گزینش است. او براساس ارزش‌ها، تاثیرات، اعتقادات، داده‌ها، تبلیغات و پذیرش تصمیم می‌گیرد که در چه مسیری گام بردارد. هرچند که او معیار گزینش است اما برای رسیدن به تصمیم متاثر از منابع متعدد است. این منابع دارای این ویژگی متمایز هستند که به موازات یکدیگر حرکت نمی‌کنند. این به معنای آن است که این امکان وجود دارد و در بسیاری از مواقع نیز چنین است که منابع در اختیار فرد برای رسیدن به تصمیم کاملاً در تعارض با یکدیگر هستند. دموکراسی در غرب تکثرمحور است. فرد تصمیم می‌گیرد اما تصمیم او متاثر از داده‌هایی که از منابع متفاوت، متمایز و گوناگون هستند. او در راستای تصمیم‌گیری مواجه با رسانه‌هایی می‌شود که گزینه‌هایی را مدافع هستند که به گونه‌ای وسیع از هم متفاوت هستند. شهروند برای اینکه به تصمیم نهایی برسد مواجه با افرادی می‌شود که جریانات و افراد متمایزی را تبلیغ می‌کنند. شهروندان در محیطی زیست می‌کنند که گرایش‌های فکری متعارض را جلوه‌گری می‌کنند. شهروند با توجه به این گونه‌گونی‌های به شدت در تعارض به نتیجه‌گیری می‌رسد. او می‌بایستی از میان داده‌های وسیع به یک تصمیم عقلانی برسد. شهروند دارای دسترسی به منابع اطلاعاتی گونه‌گون و غیرموزای است. او در چارچوب داده‌های به دست آمده به طرف‌های متفاوت «کشیده» می‌شود و در برابر نقطه‌نظرات متعارض قرار می‌گیرد. آنچه این منابع را از هم مجزا می‌سازد، خاستگاه آنها است. داده‌ها به طور یقین ذهنیت‌ها، گرایش‌ها، طرز تفکرها و چشم‌اندازهای ارزشی را در تقابل راه متجلی می‌سازند. در این بستر فراوان از اطلاعات، شهروند به تمرین دموکراسی می‌پردازد. هر چند او ممکن است به اشتباه تصمیم بگیرد، هر چند او ممکن است ساده‌اندیشی کند، هر چند او ممکن است تعصب تحت‌تاثیر تبلیغات ناصحیح قرار بگیرد و هر چند این شهروند ممکن است از توانایی لازم برای تجزیه و تحلیل برخوردار نباشد، اما آنچه الکنرازیاندری است این واقعیت است که او بر اساس مجموعه وسیعی از داده‌های غیریکنواخت به تصمیم می‌رسد. ماهیت دموکراسی غرب، تکثر منبع است. اطلاعات و داده‌ها خاستگاه ارزشی یکسان و واحد ندارند. انتخاب شهروند محققا به معنای ارجحیت یک دیدگاه و ارزش به دیگری است.

■ **دموکراسی شرقی**

در بسیاری از جوامع شرقی آنچه محرز است این نکته است که دموکراسی از کیفیتی متفاوت از نقطه‌نظر ماهیت اطلاعات برخوردار است. مردم در انتخاب خود هر چند ممکن است در ظاهر در برابر دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای فکری به ظاهر متفاوت قرار گرفته باشند اما گزینش‌های ارزشی محدود را تجربه می‌کنند و در شرق، دموکراسی «واحد منبع» است. این بدان معنا است که یک چارچوب معیاری وجود دارد که با توجه به آن، گرایش‌ها و تفکرات به ارزیابی گرفته می‌شوند. به عبارت ساده‌تر یک مآخذ واحد برای ارزیابی است. به طور مثال در عراق افراد و گروه‌های متعددی با ارزش‌های متفاوت خود را در معرض رای مردم قرار دادند. مردم نیز این اطلاعات و نظرات را که از طرق مختلف دراختیار آنها قرار گرفته بود دریافت کردند و در چارچوب معیار خود به ارزیابی پرداختند. کردها معیار را برای انتخاب کرد بدون فرد مورد نظر قرار دادند. افراد متعددی خود را برای انتخاب شدن به مردم معرفی کردند و نظرات متفاوتی را نیز عرضه کردند اما انتخاب‌کننده تمامی تفاوت و تمایزات را بر اساس معیار کرد بدون سنجید. شیعیان نیز در هنگام انتخاب با وجود تنوع عقاید بیان‌شده معیار را شیعه بودن فرد قرار دادند و به همین ترتیب نیز سنیان به این کار مبادرت کردند. در بسیاری از کشورهای شرقی دموکراسی واحد منبع است و تمامی نظرات و تفکرات بایستی از یک «قف» یا صافی مآخذ عبور کند. کسانی که خواهان رای هستند ممکن است کم‌رکسیست، کمونیست، فاشیست، رادیکال و محافظه‌کار باشند اما تمامی می‌بایستی از یک قوم خاص، مذهب معین و یا رنگ و نژاد مشخص باشند. دموکراسی در شرق در قالب یک چارچوب عمل می‌کند در حالی که در غرب در قالب‌های متفاوت عرضه می‌شود. دموکراسی غربی ذهنیت‌هایی را نمایش می‌دهد و دموکراسی شرقی بازتاب ذهنیت عبرانی است.

جهان

رابطه دموکراسی و مداخله خارجی

پارادوکس سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا

چارلز کراسامر

ترجمه: فرشید جعفری



خودتان باشید و نه خارجی‌ها. به زعم کوپر ایالات متحده ممکن است دولت قدرتمندی چون امپراتوری روم باشد لیکن برخلاف امپراتوری روم، آمریکا کشوری دموکراتیک است و مرزش تاب تحمل متدها و شیوه‌های رومی را نخواهند داشت. او می‌نویسد: «نیروی نظامی هنوز کاربرد دارد اما دیدگاه دگرگونی در سایر کشورها با توسل به زور نظامی مقدور نیست. نگاه به قدرت تنها برحسب مفاهیم نظامی خطری اساسی برای سیاست جهانی به حساب می‌آید. کراسامر عقیده داشت که رئالیسم دموکراتیک هر چند ممکن است که نقرآ کراساز نباشد لیکن عملاً در بازسازی آلمان، ژاپن و کره جنوبی موفق بوده است. کوپر در نقد این ادعا می‌گوید این سه کشور تاریخ متفاوتی دارند و بنابراین نقش ایالات متحده در یک از این کشورها متفاوت بوده است. سیاست خارجی آمریکا در آلمان اشغالی بعد از جنگ دوم جهانی از همان ابتدا به سمت دموکراسی جهت‌گیری نشده بود. اسناد نشان می‌دهد که آلمان نه برای آزادی بلکه به عنوان یک دشمن شکست خورده تحت اشغال درآمده بود. از دید کوپر فرآیند دموکراسی در آلمان یک رویداد آلمانی بود و ارتباطی به اشغال آلمان ندارد. تنها نقشی که متحدین و نه فقط آمریکا در آلمان ایفا کردند، نخست شکست هیتلر و سپس اشغال آن کشور بود. این مسئله در مورد ژاپن و کره نیز صدق می‌کند. به‌زعم کوپر تجربه این سه کشور نشان داده است که دموکراسی بیش از آنکه مربوط به نیروها و ارتش‌های خارجی باشد، ریشه در داخل این کشورها داشته است. تنها نقشی که ارتش‌ها و نیروهای خارجی ممکن است ایفا کنند شکست رژیم‌های غیردموکراتیک است.

■ **تجربه دموکراتیک ژاپن**

در مورد ژاپن نیز این وضعیت صدق می‌کند. به صراحت نمی‌توان گفت که قانون اساسی ژاپن که توسط آمریکایی‌هایی که در فرماندهی عالی قوای متحد کار می‌کردند و نیز تعداد معدودی از ژاپنی‌ها طرح گردید هنوز شبیه یک ترجمه است. چراکه سیاستمدارانی که قانون اساسی مذکور را محقق ساختند، به‌طور قابل اعتمادی ژاپنی بودند. از دید کوپر انجام دو اقدام در ژاپن تاثیر شگرفی داشت: یکی اصلاحات ارضی دراماتیک که ساختار جامعه و روستایی آن کشور را دگرگون ساخت و موقعیت اکثریت محافظه‌کاران حومه‌های شهر را حفظ کرد و دیگری منسوخ کردن نیروهای مسلح بود. الغای نیروهای مسلح از اهمیت زیادی برخوردار است. چرا که ارتش که همواره ریشه بی‌ثباتی بوده است، دموکراسی ژاپن را در دهه ۱۹۳۰ با مشکل مواجه ساخته بود. هر چند باید در باب اینکه خود مردم ژاپن دست به چنین اقداماتی زده‌اند تردید داشت و خط‌مشی ایالات متحده را در اعاده دموکراسی ژاپن نادیده نگرفت اما هر شخصی که کل دوره مذکور را به‌آزمون بکشد به این نتیجه می‌رسد که ژاپن به‌عنوان یک جامعه دموکراتیک موفق محصول خود ژاپنی‌ها است.

■ **تجربه دموکراتیک کره**

از دید کوپر نمونه کره بسیار پیچیده است. آمریکا هرگز نقش یا قدرتی در سرزمین اشغالی کره نداشته است. بنا به ادعای او نقش ایالات متحده در انتقال دموکراتیک کره جنوبی پنجاه سال بعد از پایان جنگ بحث‌انگیز است. ایالات متحده از یک سو به توسعه دموکراسی در سئول اصرار داشته است، اما از سوی دیگر قادر نبوده است که قدرت به نیروی نظامی و قوه‌قهریه در مواقع بحرانی علیه مخالفان ممانعت به عمل آورد. از همین رو از دید کوپر به نظر نمی‌رسد که آمریکا خط‌مشی مشخصی در باب ترویج و اشاعه دموکراسی در کره داشته باشد. لیکن نفوذ ایالات متحده تغییرات پایدار و کندی را موجب شده است: ارتباط با جامعه و حکومت آمریکا در طول پنجاه سال بعد از پایان جنگ کره، نقش مهمی در تغییر اندیشه و ذهنیت جامعه کره جنوبی ایفا کرده است، چرا که نقطه شروع حرکت به سمت دموکراسی قبل از هر چیز ایجاد تغییر در اندیشه و ذهنیت است. کوپر این نکته را خاطرنشان می‌سازد که دموکراسی حکومت به وسیله مردم است، بنابراین تنها مردم مسئول برقراری آن هستند. هیچ دولتی نمی‌تواند از طریق اجبار و زور سیاست‌های دموکراتیک را بر کشورهای دیگر تحمیل کند. این به معنای آن است که قدرت نظامی و نیروهای خارجی نمی‌توانند هیچ نقشی در استقرار دموکراسی ایفا کنند. نقش نیروهای نظامی خارجی تنها در شکست رژیم‌های غیردموکراتیک و تأمین امنیت است. از منظر کوپر یکی از دشمنان بزرگ دموکراسی

اقتصادی می‌داند. بنا به نظر کوپر روش‌های اشاعه

اندیشه‌ها ممکن است که کند و کسل‌کننده و فاقد قطعیت باشد. لیکن توسل به زور جهت توسعه دموکراسی نسبت به اشاعه اندیشه‌ها از عدم قطعیت بیشتری برخوردار است.

رفاه، آموزش و تبادلات فرهنگی از نتایج دموکراسی است. مردم خواهان دموکراسی‌اند، چرا که خواستار زندگی بهتری هستند. مصرف‌گرایی زیبا نیست، اما تصویری از آزادی است. کوپر می‌گوید هر کشوری شرایط خاص خود را دارد و به تعداد کشورها نیز راه‌های رسیدن به دموکراسی وجود دارد. هند، پاکستان، اندونزی، تایلند، شیلی، تایوان، آفریقای جنوبی و اسپانیا، هر کدام داستان خاص خود را دارد. در بیشتر موارد موقعیت ارتش عاملی حیاتی بوده است. ممکن است نیروهای خارجی در عراق به موفقیت‌هایی دست پیدا کنند، صحیح‌نخواهد بود که اراده آمریکا و توانمندی‌اش را دست‌کم بگیریم. جدیت بیشتر عراقی‌ها نیز برای انتخابات روشن است، لیکن در نهایت، اراده انتخاب در دستان عراقی‌ها است و هیچ روشی حتی روش مقتدرترین قدرت‌های خارجی قادر به تضمین نتیجه انتخابات نیست.

بنابراین از منظر کوپر ما باید دقت لازم را در باب توسل به زور جهت دگرگونی‌های

دموکراتیک داشته باشیم. احتمالاً هیچ چیزی به اندازه تهدید خارجی موجب تقویت مستبد نمی‌شود. تهدید خارجی مشروعیت‌بخش امور نامشروع است. کوپر می‌گوید در نتیجه فشارهای خارجی هیچ رژیم کمونیستی از هم نپاشید. انجام دگرگونی‌های داخلی زمانی سهل است که مردم محیط خارجی می‌توانند باشند. نیروهای نظامی خارجی می‌توانند، محیط امنیتی خارجی‌هایی را ایجاد کنند. هر چند آنها نمی‌توانند دست به عرضه راه‌حل‌های مربوط به مشکلات معضلات داخلی بزنند. عدم توانایی در ایجاد یک محیط امنیتی کافی در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ دلیل عمده‌ای برای شکست طرح ویلسون بود. طرح ویلسون اشتباه نبود: حق تعیین سرنوشت، دموکراسی و نهادسازی در راستای امنیت بین‌المللی به خوبی قابل جمع بودند. حق تعیین سرنوشت پیش شرط دموکراسی محسوب می‌شود و دموکراسی نیز باریگر صلح است. دموکراسی در محیطی کامیاب است که میان دولت‌ها اعتمادسازی نماید. به زعم کوپر ما اکنون در عصر دموکراتیک به‌سر می‌بریم. چرا که هم تعداد دموکراسی‌ها افزایش یافته است و هم تکریم و احترام به اندیشه دموکراسی رو به فزونی است.

این مسئله عواقبی برای سیستم بین‌المللی به همراه دارد. جهان واقع گرایانه زمانی کارساز بود که ما تحت حمایت الیگارش‌های ملی بودیم. اندیشه دموکراتیک به معنای آن است که سیاست‌نیازمند یک اساس اخلاقی است. ایده شأن و مقام بشر از بین رفتنی نیست و خط‌مشی‌ها باید بر آرمان‌ها و همدلی انسان‌ها و منافع استوار باشد. در یک جهان دموکراتیک توسل به زور نظامی دشوار است. جنگ‌ها نیاز بیشتری به مشروعیت دارند، در حالی که در عصر اتوکراتیک نیازی به این مشروعیت وجود نداشت. کوپر در درازا نشان می‌دهد که دموکراسی امنیت آمریکا نقش مهمی را در تأمین محیط امن و در نتیجه ورود به دموکراسی فراهم کرد. بنا به اعتقاد کوپر تجربه کره، شبیه بیشتر کشورها نشان می‌دهد که دموکراسی با تهدیدهای خارجی و چالش‌های داخلی مواجه است. قطع نظر از محیط خارجی امن، دموکراسی نمی‌تواند ریشه بدواند مگر اینکه گروه‌ها، طبقات و قوم‌های مختلف بتوانند در داخل به سازش برسند تا قواعد بازی را مستقر کنند. بازندگان در انتخابات شکست را باید بپذیرند و برندگان نیز باید به قانون اساسی متعهد باشند و از آن سوءاستفاده نکنند و قدرت‌شان را در جهت فشار به مخالفان به کار نگیرند. به نظر کوپر در این موارد نیروهای خارجی بیشتر از یک نقش نمی‌توانند ایفا کنند. اشاعه اندیشه دموکراسی و گسترش نظام بازار آزاد می‌تواند از دید کوپر دشمنان دموکراسی را شکست دهد. او دشمنان دموکراسی را دیکتاتورها، جامعه سنتی در اشکال مختلفش، الیگارش‌ی مدرن، ملی‌گرایی و منافع

سه شنبه ۹ خرداد ۱۳۸۵

خبرها

آرنولد از بوش فاصله می‌گیرد

شرق: آرنولد شوارتزنگر فرماندار کالیفرنیا برای پیروزی مجدد در انتخابات این ایالت تلاش می‌کند. به گزارش روزنامه واشینگتن پست او قصد دارد با فاصله‌گرفتن از جورج بوش رئیس‌جمهور آمریکا و همچنین ارائه طرح‌های پرهزینه برای بازسازی مدارس، آب‌بندها و بزرگراه‌های کالیفرنیا، نظر مساعد دموکرات‌ها و رای‌دهندگان مستقل را جلب کند. شوارتزنگر که یکی از چهره‌های مطرح جمهوریخواهان آمریکا است، برنامه بوش برای استقرار سربازان گارد ملی در مرز مکزیک را مورد انتقاد قرار داده است. او همچنین برخی پست‌های کلیدی ایالت کالیفرنیا را در اختیار دموکرات‌ها گذاشته و تلاش‌هایی برای افزایش دستمزدها نیز انجام داده است. آرنولد که شیوه مبارزه جوانه و محافظه‌کارانه سال گذشته خود را تعدیل کرده، امیدوار است در ایالتی که دو سوم از رای‌دهندگان ثبت‌شده‌اش را دموکرات‌ها و افراد مستقل تشکیل می‌دهند، از حمایت بیشتری برخوردار شود.

■

لندن در معرض بیست حمله تروریستی

بی‌بی‌سی: بارزمانندگان حملات بمب‌گذاری هفتم ژوئیه ۲۰۰۵ لندن می‌گویند که دولت انگلیس به آنها گفته است که سرویس‌های اطلاعاتی این کشور در حال تحقیق در مورد ۲۰ توطئه تروریستی علیه انگلیس هستند. در تن از بازماندگان بمب‌گذاری‌های لندن گفتند که «جهان‌رید» وزیر کشور انگلیس به آنها گفته است که به همین دلیل او با انجام تحقیق علنی در مورد حوادث سال گذشته مخالف است. بازماندگان حوادث هفتم ژوئیه لندن خواستار انجام تحقیقات علنی در مورد اقدامات تروریستی سال گذشته در شبکه حمل و نقل عمومی لندن شدند. رید گفته است که تحقیق علنی باعث منصرف شدن منابع از ادامه تحقیقات در این زمینه خواهد شد. یکی از سخنگویان وزارت کشور حاضر نشد در ارتباط با ادعاهای این دو نفر ابراز نظر کند و گفت ملاقات بازماندگان حوادث لندن با وزیر کشور انگلیس به طور خصوصی صورت گرفته است.

■

همکاری اطلاعاتی مایکروسافت با اسرائیل

ایستا: رئیس‌شاخه انگلیس عفو بین‌الملل اعلام کرد، شرکت مایکروسافت به پلیس اسرائیل برای بازجویی از «جانی وائانو» کمک کرده‌است. «کت‌آل» رئیس‌شاخه انگلیس عفو بین‌الملل در روزنامه آبزور نوشت: «عفو بین‌الملل نسبت به همکاری مایکروسافت با مقامات اسرائیلی در دادرسی ورواخ‌ای وائانو افشاکننده اسرار هسته‌ای اسرائیل نگران است.» وائانو پس از افشای اسرار هسته‌ای اسرائیل به رسانه‌های انگلیس ۱۸ سال در زندان بود و پس از آن نیز با شرط باقی‌ماندن در اسرائیل و عدم گفت‌وگو با خبرنگاران خارجی آزاد شد. گزارش شده مایکروسافت به درخواست دولت اسرائیل شرایط را برای دسترسی به اطلاعات ضبط‌شده در کامپیوتر وائانو فراهم آورده که این امر می‌تواند مجدداً باعث زندانی شدن وائانو شود. این مقام عفو بین‌الملل جزئیات بیشتری را درباره این خبر مطرح نکرد.

■

بلر با پاپ و پرودی دیدار می‌کند

ایلنا: «تونی بلر» نخست‌وزیر انگلیس به ایتالیا رفت. به گزارش روزنامه تایمز لندن بلر برای گذراندن تعطیلات یک هفته‌ای وارد ایتالیا شد و قرار است با پاپ بندیکت شانزدهم رهبر کاتولیک‌های جهان و «رومانو پرودی» نخست‌وزیر ایتالیا دیدار کند. بلر به خانواده‌اش در توسکانی یکی از شهرهای ایتالیا پیوست و قرار است پس از پایان تعطیلات یک هفته‌ای، روز شنبه هفته آینده برای دومین بار با پاپ بندیکت شانزدهم در واتیکان دیدار کند. تونی بلر در نظر دارد در مورد عقب‌نشینی نیروهای ایتالیا از عراق با «رومانو پرودی» رهبر چپ‌گرای دولت جدید ایتالیا مذاکره کند.

■

برتری نامزد احتمالی سوسیالیست‌های فرانسه بر سارکوزی

ایلنا: آخرین نظرسنجی منتشر شده‌نشان می‌دهد که «سگولن روالیا» کاندیدای احتمالی سوسیالیست‌های فرانسه می‌تواند «نیکولا سارکوزی» رهبر جنبش اتحادیه ملی (UMP) را در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده فرانسه شکست دهد. خبرگزاری فرانسه گزارش داد طبق نظر سنجی موسسه CSA، ۳۳ درصد از مردم فرانسه از روالیا رهبر منطقه‌ای حزب سوسیالیست فرانسه حمایت خواهند کرد، در حالی که سارکوزی همچنان در رتبه دوم نظر سنجی‌ها قرار دارد. بنابر این گزارش میزان محبوبیت روالیا از ۲۷ درصد ماه مارس سال جاری میلادی به ۳۳ درصد رسیده است ولی محبوبیت سارکوزی با ۲ درصد کاهش از ۳۴ درصد از ماه مارس به ۳۲ درصد رسیده است.

